

چهار مورد از موارد جواز بیع وقف را بنویسید ؟

- ۱- غیر قابل استناد بودن موقوفه در اثر خرابی یا بقاء عین موقوفه ، ۲- عدم استناد کافی در اثر خرابی و فقدان منفعت ، عرفاً ۳- قلیل العائد شدن موقوفه در اثر خرابی و قتل آن ، ۴- نیازمندی واضطرار به مصلحتان وقف ۵- واقف شرط فروش کرده بوده است . ۶- احتمال قطعی باطنی که موقوفه خراب خواهد شد . ۷- اختلاف بین مصلحتان ۸- ابقاء موقوفه مستلزم خونریزی باشد .

یک دلیل نقلی برای عدم جواز بیع وقف بنویسید ؟

- ۱) روایت ابی علی بن راشد : لا یُخوَرُ شِراءُ الوَقْفِ
 ۲) «الْوَقُوفُ تَكُونُ عَلٰی حَسَبِ مَا يُوقَفُهَا اَعْلَمُ»
 ۳) «تَحْسِبُ الْاَصْلُ وَتَسْبِلُ الْمُنْفَعُ»
- مهنت هیچ کدام از دلالت‌های این اخبار ثلاثه را قبول ندارد و تمام نمی‌داند .

یکی از شرائط عوضین قدرت بر تسلیم است . آیا مراد قدرت واقعی است یا معلومه ؟ فرق این دو را توضیح دهید ؟

مهنت قدرت معلومه را شرط مراداند ؛ یعنی کفایت علم و اطمینان به هر یک از متباینین داشته باشد .

فروش صنایع از ضربه ، چند قسم تصور می‌شود - کدامیک صحیح است ؟

- دو قسم که هر کدام به ۵ قسم تقسیم می‌شود (مجموعاً ۱۰ قسم) ؛ یا مقدار مجموع معلوم است یا مقدارش مجهول است .
۱. در صورتی که مقدار ضربه معلوم باشد پنج صورت تصور می‌شود :
۱. مجموع کالا با قیمت معین فروخته شود (کل ضربه ۸ هزار تومان)
 ۲. جزء معلومی از مجموع فروخته نشود (۲ ضربه ۲۰۰۰ ت)
 ۳. مقدار معینی که قطعاً مجموع مورد ازان مقدار بیشتر است ، فروخته نشود .
 ۴. مجموع کالا یا ضربه به صورت پیمان پیمان در حالی که قیمت مشخصی از هر پیمان هست .
 ۵. هر پیمان از ضربه به قیمت مشخصی فروخته نشود (هر کیل ۳۰۰ ت) ولی قیمت کلی را فروشد ؟ یا معلوم است ؟

همه صحیح است .
 به غیر از صورت پنجم .

۱. مقدار معینی که قطعاً مجموع مورد ازان مقدار بیشتر است فروخته نشود .
۲. در صورتی که مقدار ضربه مجهول باشد - فقط در یک حالت صحیح است و آن :

(تکلیف در سؤال ۱۱)

۵ تلقی زکبان یعنی چه و حکم شرعی آن چیست؟

در قدم مرسوم بود که تجار کالاسان را از شهری - شهری دیگر می بردند در مقابل، برضی از افراد ساکن آن شهرها که از قیمت اشیاء مطلع بودند - به بیرون شهر در استقبال آنها می رفتند و کالاسان را چه بسا به قیمت کمتر از آنچه در همانجا می خریدند به چنین عملی در اصطلاح فقہی «تلقى زکبان» یعنی «پیشواز از سواران گویند».

→ مصنف می گوید: اخبار وارده بر حرمت، ضعیف است - لذا کراهت دارد، حرام نیست.

→ برضی از فقها گویند تا بی فرسخ، تلقی زکبان صدق می کند.

۶ احتکار چیست؟ مراد از آن در حکم آن را شرح دهید؟

احتکار یعنی: جمع آوری و نگهداری خوراکی به منظور فروش آن بعد از افزایش قیمت.

در حکم شرعی آن اختلاف است.

نظر مصنف: اگر شخص دیگری، نبود که آن کالا را در اختیار مردم بگذارد - احتکار حرام است (طبق روایت امام رضا ^(ع)).

۷ نگهداری چه نوع کالاهای احتکار به شمار می آید، موارد آن را بنویسید؟ گندم - جو - خرما - کشمش (مورد اتفاق است).

نک - روغن زیتون و ... (اختلافی است).

۹ مال و ملک را تعریف کنید و برای هر یک مثالی بزنید؟ نسبت آن دو چیست؟

مال: کالایی است که عرفاً ارزش اقتصادی داشته باشد - آنچه نزد عرف دارای منفعت محتمله مقصود است.

ملک: چیزی است که تصرف آن برای شخص خاصی است، در واقع وی حق استعاده از آن را دارد و در مقابلش پول

داده می شود.

[یک گوتی همراه که هم مالیت دارد و هم ملکیت.] و نسبتشان عموم مخصوص من وجه.

۱۰ وقف تعلیکی و فکلی چیست؟ حکم بیع وقف فکلی را بنویسید؟

تعلیکی: وقف ابدی ای است که - ملکیت موقوفه علیهم (که شامل سلهای مورد و سلهای بعدی تا زمان بقا معروف است) در می آید

و آنها مالک منافع مورد وقف شده و می توانند آنرا اجاره دهند و اُمرت آنرا بگیرند.

فکلی: وقفی که استعاده از آن مخصوص همه مسلمانان است و معرک شخص خاصی نیست، که عبارتند از:

قبور اهل بیت (ع) و امام زادگان - گورستانها - کاروان سراها - محلهایی که برای عبور مسافران وقف شدند -

مدارس - بیلها - کتابخانه‌هایی که وقف محصلین است - درختهایی که برای استراحت رهگذران وقف شده و...

در وقت فکری: فقط می‌توان بهره برداری و استفاده کرد و مالک صنایع نمی‌شوند - اگر کسی به ناحق تصرف کرده حق اجرت از او را ندارند.

به نظر شیخ ارضاری: اطلاق معروفه، ضمان آوراست.

شروط عوضین را نام ببرید و یکی را توضیح دهید؟
لاشع مالین عندک (اجماع)

مالیت - ملکیت - طلق بودن (آزاد بودن) - قدرت بر تسلیم - معلوم بودن ثمن در مقدار و صفات
تَلَّه لَاتَاكُلُوا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ

اصطلاحات کسرمشاع و طلمنی المعین را توضیح دهید و پاسخ مسئله را به همراه دلیل آن بنویسید؟

[کوباع صاعاً من صبره فهل ينزل على الكثير المشاع أو الكلي من المعين ؟]

کسرمشاع یا بیع جز مشاع: منظور با بیع که می‌گوید: ده من از یک خردار گندم را به شما فروختم (یک دم از کل یک خردار گندم است) اینصورت از بیع صحیح است؛ پس از فروش مشتری در یک دم از مجموع یک خردار گندم با بیع ترکیبی می‌شود - به عبارتی دیگر «بیع در اینجا به نحو مشاع از مجموع یک خردار گندم است».

و فرقی نمی‌کند که اجزاء آن مجموعه دال بر قیمت واحدی یا قیمت‌های متفاوتی باشد و لازم نیست مشتری از اندازه مجموع کالا هم آگاه باشد.

بیع طلمنی من المعین: مقداری که با بیع برای بیع ذکر می‌کند یک طبیعت کلی است که مصداقش در کل کالای مورد نظر منحصر است - مثلاً می‌گوید «یک من از این خرمن گندم».

انذار یعنی چه و اموال مختلف در مسئله را بنویسید؟

در خریدن کالایی که مظلوف دارد، کم کردن وزن طرف از وزن بیع را انذار می‌گویند.

مهندس: انذار را جایز می‌دانند و فی الحقیقه خالی از اختلاف نظر.

قولی می‌گوید: اگر چنین بیعی غرری باشد باطل و گرنه صحیح است.

در صحیح: انذار را به دو شرط جایز می‌دانند ۱- مقدار کاسته شده برای تجار عادی و معمولی باشد.

۲- علم به زیادتر بودن این مقدار از وزن طرف نداشته باشد.

۱۴ خَدْوَانِدَانَهُ احْتِكَارٌ حَيْدَرُورِزِ اسْتِ؟ اَقْوَالٌ وَصُورٌ دَارِدُ.

شیخ طوسی: «در زمان فراوانی ۶ روز و در زمان قحطی ۳ روز هست»

تجدید اول: زمان موقوفت ندارد، بلکه مقم نیاز مردم است چه بسا با نگهداری یک روز هم احتکار محسوب کند

۱۵ اصطلاحات را تعریف کنید؟

«بیع مُسْبِرَه»: مجموع کالا، که یا مقدارش معلوم است یا معلوم نیست، (ثل، کوه، یا خردار گندم مثلاً در فارسی).

«تَبَعُضُ صَفَقَةٍ»: منقعه، معنی کالاها باشد و تَبَعُضُ بِنَفْسِ حَيْزِ خُرُوشِ كَالَاهَا.

«بیع ملامسه»: شخصی با نفس لمس کردن و دست گذاشتن در میان آن را معامله می کند یا هر فردی با هر فردی می فروشد.

۱۶ اگر موقوف علیهم ضروری است بده ای بده کند، آیا مال موقوفه را می توانند بفروشند، چرا؟

مصنف می فرماید: «در مجموع نمی توان فتوی به جواز بیع داد.»

دلیل: ۱- اجماع منقولی که آورده اند به درد نمی خورد و زداست.

۲- روایتی که ذکر کرده اند تمام نیست.

۱۷ در وقف منقطع، مال موقوفه ملک چه کسی است؟ احتمالات را بنویسید؟

وقف منقطع وقفی است که واقف مالکی را برای فرد یا افرادی که منقرض می شوند وقف می کند و در صورت سرنگونی آن

سپس از اینقرافن موقوف علیهم، چیزی نمی گوید.

معروف در میان فقهاء همین است این وقف است.

۱- واقف مالک آن است، لذا موقوفه به ملک موقوف علیهم در نمی آید.

اَقْوَالٌ: ۲- موقوف علیهم مالک است، که نوع ملکیتش یا: استقرار دارد - پس از فوت وی به ورثه اش می رسد...
که موقوفی است و پس از فوت او در راه - ملکیت واقف می ماند
موقوفی است - پس از فوت وی در راه هدیه می شود

۱۸ چگونه استدلال به روایت شریفه «لا بیع مالئین عندک» را برای استراط قدرت بر تسلیم عرضین، بیان فرمائید؟

یعنی «فروش آنچه را که نزد تو نیست». این روایت شرط تسلط داشتن را در جایی که با بیع، مبیع را برای خودش

می فروشد اعتبار دارد. مصنف استدلال به این روایت را می پذیرد.

به عبارتی دیگر: ظرف (بندک) به معنای تسلط نام و بالفعل است، که حاکی از ملکیت و تسلط و در اختیار داشتن بر مبیع است باشد - در اینصورت است که می توان قدرت بر تسلیم را شرط صحیح بیع دانست.

۱۹ در اعتبار کیل و وزن غیر شخصی مِلَاک است یا نوعی؟ تَوْضیح دهید.
غیر نوعی مِلَاک است.

زیرا کالا در عصر پیامبر (ص) به صورت مکیل و موزون خرید و فروش می شد - و مکیل یا موزون بودن هم برای جلوگیری از غرر نوعی است، نه شخصی.

۲۰ اشتراط ملکیت در عوضین برای خارج کردن چه مواردی می باشد؟ مواردش را ذکر کنید؟

به موجب همین شرط: اموال عمومی (مشترک) مانند: دریاها - جنگلها و مراتع - ماهیان و حیوانات وحشی قبل از صید شدن و اراضی مفتوحه العنوه (زمین های که با لشکر گسترده تصرف مسلمان درآمده است) غیر قابل خرید و فروش است.

۲۱ فروش صاع از صبره به چند قسم تقویر می شود و کدام یک صحیح است؟

سه قسم: ۱- کلّی بنی المعین. ۲- کسر مشاع. ۳- فرد مردد → قسم اول صحیح است.

۲۲ + در صورتی که بیع و وقف اتفاق به حال موقوف علیهم باشد بیع را جایز بدانیم ضمن ملک «بطن اول» است.

+ در بدل وقف، گفتن بیع و وقف «نیاز نیست».

+ بین حاجت یا همان ضرورت سدیده و مطلق فقر چه نسبتی است؟ بین وجه

+ بیع «مکیل» به وزن، صحیح است.

۲۳ اقسام چهارگانه اراضی را بنویسید و حکم هر یک از آنها را از حیث مالک آن اراضی بیان کنید؟

بالإصالة: جزء انقال است و مالک آن انچه (ملیعی) می باشد.

مالک قبلی مالک است اجزاء کتبه در ملک است	عامرة بالإصالة بوده و بعداً موات شده، ملک انام (ع) است. ابتدا موات بوده، بعد عامر شده، بعد موات شده: اختلافی است که	بالعرفن:	هوات - (مُرده)	اقسام زمین

اگر عینی قبل از بیع مشاهده شد بر همان اساس بیع واقع شد، سپس مشتری ادعای تغییر مبیع را داشت

اینجا سه اصل وجود دارد: اصل عدم انطباق - اصل عدم وصول مبیع به مشتری - اصل عدم تغییر مبیع به همان کنده که کدام اصل به نفع مشتری و کدام به نفع بائع است؟ (الف)

الف - اصل عدم انطباق (به نفع بائع است)

اصل عدم وصول مبیع (به نفع مشتری است)

اصل عدم تغییر مبیع (به نفع مشتری است)

(ب) تصور ورود اصل سقیم بر دو اصل قبلی چگونه است؟

ب - اصل عدم تغییر مبیع وارد بر دو اصل دیگر است

یعنی تنگی در دو اصل قبلی مستتب از تنگی در تغییر مبیع است و با وجود سبب تنگی در سبب جاری نمی شود اگر تغییری به وجود آمده باشد - نوبت به دو اصل عدم انطباق و عدم وصول مبیع می رسد ولی اگر تغییری حادث نشده بود ظاهر اصول مذکور نیست و مادر خود تغییر و عدم تعدد اصل جاری می کنیم و می گوئیم «اصل عدم تعدد» است.

خرید عین یا مشاهده قبلی جایز است یا حیر؟ فرض مسئله را ذکر کنید؟

کالایی که عادتاً تغییر پیدا کرده و صفات قبلی را از دست داده است: اگر بائع صفات کالا را برای مشتری بنا کند، بیع صحیح و به دیدن قبلی نمی توان اعتماد کرد - ① کالایی که عادتاً تغییر پیدا نکرده: عقد صحیح است و ذکر صفات کفونی کالا لازم نیست. ② کالایی که احتمال تغییر و عدم تغییر در آن وجود دارد: عقد بیع به موجب اصل عدم تغییر و بدون نیاز به ذکر صفات کفونی کالا صحیح است.

در صورت از صورت بیع منظور با طرف را ذکر کنید؟

الف - اگر شارع فروش اصل کالا را مستقلاً اجازه داده است، قطعاً فروش آن با ضمانت طرف آن، اگر چه وزن ظرف مجهول است - جایز است و مانعی از صحیح نیست.

ب - بیع کالا بدون اطلاع از وزن آن به دلیل غرری بودن جایز نیست در اینجا فروش آن با طرف،

غرر را بر نمی دارد - لذا باطل است.

ج - بیع اصل کالا بدون اطلاع از وزن آن (با اینکه مستلزم غرر شخصی نیست) جایز نمی باشد فروش آن با ضمانت طرف مجهول

واقف، مالک آن است و لذا به ملکیت موقوف علیم در نمی آید. هیچ کس حق فروش ندارد و اگر موقوف علیم مالک باشد
 یا ملکیت مستقر است یا ملکیت موقتی است و به ملک واقف برمی گردد. پس از فوت یا به ملک خداوند در
 می آید که در هر سه صورت واقف و موقوف علیم حق فروش ندارند. غیر از صورت آخر که مانند وقف مؤبد
 می شود حکم آن را دارد. البته در صورت اول هم واقف می تواند به خود موقوف علیم بفروشد.



باسمه تعالی

امتحانات پایان سال تحصیلی ۹۰ - ۸۹
حوزه علمیه خراسان

تاریخ امتحان: ۹۰/۴/۱۳	زمان: ۹۰ دقیقه
ساعت: ۱۶ - ۱۷/۳۰	
موضوع: مکاسب ب ۴	
نتیجه	عدد
به حروف	به حروف
رسیدگی محدد	عدد
	به حروف

«جوابهای چهارگزینهای و تشریحی فقط در پاسخنامه»

سوالات چهار گزینه‌ای

(بارم ۵/۰ نمره)

۱. ما الصانع عن بیع الوقف؟
(الف) حق الله (ب) حق الواقف (ج) حق البطن المتأخره (د) همه موارد
۲. گزینه صحیح را نسبت به بطلان وقف مطابق نظر شیخ (ره) و صاحب جواهر (ره) به ترتیب انتخاب کنید.
(الف) بیطل بجواز البیع - بیطل بنفس البیع (ب) بیطل بنفس البیع - بیطل بجواز البیع
(ج) لا بیطل بنفس البیع - لا بیطل بنفس البیع (د) لا بیطل بحوز البیع - لا بیطل بجواز البیع
۳. « و الظاهر ان محل الکلام فی بیع الوقف انما هو القسم الاول و اما الثاني فالظاهر عدم الخلاف فی عدم جواز بیعه » گزینه صحیح درباره مقصود از قسم اول و ثانی کدام است؟
(الف) وقف مؤبد و منقطع (ب) وقف تملیکی و تحریری (ج) وقف مؤبد و تملیکی (د) وقف منقطع و نکلی
۴. من هو المتولی لبیع الوقف؟
(الف) هو الموقوف علیه مطلقاً (ب) هو الحاكم مطلقاً (ج) هو البطن الموجود بضمیمه الحاكم (د) هو الناظر الخاص ان كان و الا فالحاكم
۵. کدام گزینه دیدگاه شیخ (ره) درباره بیع راهن نیست؟
(الف) بیع باطلاً من اصله (ب) بیع موقوفاً علی الاجازة
(ج) بیع موقوفاً علی سقوط حقه باسقاط المرتهن (د) بیع موقوفاً علی سقوط حقه بالفک
۶. لو كان العاقد و کيلاً فی البیع و لوازمه بحيث يعدّ الموكّل اجنبياً عن هذه المعاملة فهل العبرة بقدرة الموكّل او الوكيل؟
(الف) قدرت وکیل معیار است (ب) قدرت موکل معیار است
(ج) قدرت هر یک از وکیل و موکل کفایت می‌کند (د) قدرت وکیل و موکل با همدیگر معیار است
۷. دیدگاه شیخ (ره) درباره حکم تلقی رکیان و حد آن کدام است؟
(الف) کراهت - چهار فرسخ (ب) حرمت - حد ترخص (ج) حرمت - چهار فرسخ (د) کراهت - حد ترخص
۸. کدام گزینه از وجوه بیع، بعضی از کل نیست؟
(الف) ان یرد بذلك البعض کسراً و افعاً من الحمله مقدراً بذلك العنوان (ب) ان یراد به بعض مردد بین ما يمكن صدقه عليه من الافراد المتصورة فی المجموع
(ج) ان یرد السبع حرثاً حقیقاً (د) ان یرد السبع طبعاً کلیة منحصرة المصادیق

سوالات عبارتی

(بارم ۲ نمره)

۱. «قد احترزوا بهذا الشرط عما لا يتنفع به منفعة مقصودة للعقلاء محللة في الشرع لان الاول ليس بمال عرفاً كالخنافس والديدان فانه يصح عرفاً سلب المصرف لها و نفى الفائدة عنها و الثاني ليس بمال شرعاً كالخمر و الخنزير»
(الف) مقصود از شرط مذکور چیست؟ (ب) مواردی که با این شرط احتراز شده کدام است؟ چرا؟
۲. «ولكن مقتضى ما ذكرنا كون سقوط حق الرهانة بالفك و الاسقاط او البراء او غير ذلك ناقلاً و مؤثراً من حينه لا كاشفاً عن تأثير العقد من حين وقوعه خصوصاً بناء على الاستدلال على الكشف بان مقتضى مفهوم الاجازة امضاء العقد من حينه، فان هذا غير متحقق في انتكاف الرهن»
(الف) موارد سقوط حق رهن را بنویسید. (ب) چرا استدلال کاشفه در این فرض نامشروع است؟
۳. از موارد جواز بیع وقف «الصورة السابعة» ان يؤدى بقاؤه الى خرابه علماً او ظناً و هو المعبر عنه بخوف الخراب و الاداء الى الخراب قد يكون للخلف بين اربابه، و قد يكون لاله. و الخراب المعلوم أو الخوف، قد يكون على حد سقوطه من الانتفاع نفعاً معتدّاً به و قد يكون على وجه نقص المنفعة» مقصود عبارت را کاملاً توضیح دهید.
۴. لو اخبر البائع بمقدار المبيع... «ان الظاهر اعتبار كون الخير طريقاً عرفياً للمقدار كما يشهد به الروايات المتقدمة، فلو لم يفد ظناً فاشكال: من بقاء الجهالة الموجبة للفرر و من عدم تقيدهم الاخبار بافاداة الظن و لا المخبر بالعدالة»
(الف) آیا معتبر است که خیر بایع، طریق عرفی به مقدار باشد؟ (ب) اگر این خیر مفید ظن نباشد چه اشکالی وارد است؟

سوالات تشریحی (فقط به چهار سؤال پاسخ دهید)

(بارم ۲ نمره)

۱. اقسام اراضی را نام ببرید.
۲. در وقفنامه حضرت امیر المؤمنین (ع) آمده است که: «تصدق بداره صدقة لاتباع» عبارت «لاتباع» وصف نوعی است یا شخصی؟ چرا؟ (۱۱) دو دلیل کفر است.
۳. شیخ (ره) در بحث صور جواز بیع آورده است «الصورة الثانية» ان یرخرّب بحيث يسقط الانتفاع المعتد به» حکم صورت دوم از نظر شیخ (ره) و دلیل آن را بنویسید.
۴. توجیهات مربوط به حدیث «ان كانت قيمتها اكثر فعليك ان ترة ما نقص» را بنویسید.
۵. هل القدرة شرط او العجز مانع؟ اذکر رأی الشیخ (ره) و المناقشة فيما استظهره صاحب الجواهر (ره).

موفق باشید

در صورتی که بیانه یا وزن کردن، راه برام شافقت بقداد است. در صورت فروش و خرید معدوم (مثل نمود) بکلی در صورتی که بیانه ندارد. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ در صورتی که بیانه یا وزن کردن، راه برام شافقت بقداد است. در صورت فروش و خرید معدوم (مثل نمود) بکلی در صورتی که بیانه ندارد. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ حکم آبی درین متوج عنده حد شده (مثل برگ، میوه، خاک و...) - و نه اجازه بقداد در جاهی که ایجاب می‌شود باشد (ارغانت مالک (در عقد قولی و غیره) انکار ندارد. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ عنوان غره: اختصاص به خطرناکی از جهل به تسلیم دارد. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ نسبت مال و ملک «من رحم» است. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ وقف منقطع، واقف ملکی را بر این فرد یا افرادی که متصرف می‌شوند وقف می‌کند و سرنوعت آن را بر این شخص می‌گذارد. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ بیای غره است به معنای که در زمان صلوات و صلوات صلوات در جاهی که صلوات با امکان معلوم شود رافع نیست. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ شرط قدرت بر تسلیم عوضی منقطع در زمان تسلیم ملاک است. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ اگر ملاک غره نوعی باشد باید همه کالاهای ملکی با کلیل، موزون یا وزن و عددی با شمارش فرضه شود. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ ملاک غره در اعتبار کلیل و وزن غره نوعی است نه شخصی. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ هر شرط «قدرت بر تسلیم» یا «مانع بودن عصر» نمره‌ها را بر این جهت ندارد؟ اگر ندریم اطلاق در عصر صحیحاً مطلقاً نمره است. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ تفاوت بین اجماع و جهل در بیع صلوات من صبره چیست؟ ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ جهالت، عدم علم به مشخصات بیع است. احکام، عدم تعیین بیع از بیع صادر می‌تواند با اطلاق. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ حکم احتکار، نظر شیخ اضراره: اگر شخص دیگری باشد که آن کالا را در اختیار مردم نگذارد احتکار بوده و حرام است. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ اولی و وجوب تقه بر تجارت عقلاً و شرعاً. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ معامله ساعی چیست؟ در عددی از کل کالا خریدن - مثلاً یک خرد از یک خرمن. ب دلیل روایت صحیح حلبی

✓ استفا ذرایع «ادوا بالعقد»: حکم تکلیفی و حکم وضعی مترجم حکم تکلیفی است. ب دلیل روایت صحیح حلبی

۵ در صورت فروش و وقف، بدل اصباح، اطرار صغیر و وقف ندارد. (مورد بدل = سهام موقوفه)

✓ معاملات که در آن اجماع و جهالت باشد، بالإجماع ممنوع و باطل است.

✓ دلیل اعتبار شرط «قدرت تسلیم عوضین» سه جهت از بیع غرری و روایت «لا ضرر» است.

✓ در عقود بدل تسلیم که تسلیم شرط است، قدرت بر تسلیم ثمن در حال عقد شرط نیست.

✓ در مورد از حقوق مانع از بیع { ۱- تعارض سب مالکیت (موقوفه) - سب برید غالب شود، مانع از بیع است (موقوفه)
۲- غنیمت بیش از تسلیم

✓ در جائلی اختلاف شد قمت کالا به اختلاف رنگ، بورد... یعنی اختیار هده الأوصاف فیما «ینضبط من الأوصاف»

✓ شرط «علم» مقدار ثمن، به خاطر «حدیث رفع غرر» است.

✓ مقصد اصلی در اشتراط قدره بر تسلیم عوضین «التسلیم» است.

✓ اگر عین موقوفه فروخته شود باید با ثمن متعادل عین موقوفه را خرید.

✓ استیاع مانع از اعتبار من دون الاختیار ← بیع

✓ اقوال عدم اعتبار اشتراط الصغر في العقد

✓ اگر بیع و وقف، بیع و فروش و وقف را در صورت اصباح موقوفه تسلیم شرط کند، علام و فخر الدین قائل به جواز شدند.

علام در الإرشاد - فخر الدین در الايضاح گفته، طریق اولی، توانند فروشد.

⑤ اختیار کالای فروخته شده است، مشتری فقط مالک طبیعت شده.

✓ کثرات بیع کل فی المعنی (P) در صورت تلف بخشی از مجموع کالا و باقی مانده مقدار عقد شده با مشتری؛ الباقی مال مشتری شود

✓ اتمام چهارگانه زمین و مالک

موات بوده - امام مالک

از ابتدا آباد بوده - امام مالک و ائمه

موات بوده - آباد کردن - مال آباد کننده است.

موات - آبادانی - دوباره موات شده که یا آبادانی

اهل بیع بوده، مال امام است

آباد کننده است، اختلاف

✓ از اتمام دهگانه کدام موارد مقدار ضربه معلوم است: ① بیع همه زمین به صورت یکجا

② بیع بخشی که مقدارش معلوم است متعاضداً

③ بیع یک بیانه یا یک من یعنی معین است

④ بیع هر بیانه که هر بیانه قمت معین و مشخص دارد.

⑤ هر بیانه از ضربه را به قمت مشخص ببرد در آن ضربه قمت

مشخص نیست - این قتم باطل است.

✓ به نظر آخوند، وقف با عمل بیع باطل می‌شود اما با جواز بیع باطل نمی‌شود؛ یعنی که فروخته شد و وقف باطل است. (۳)

✓ تبعه رضاد ← تجویز بیع و وقف با جهل بندگان دارد (و این بیع از صاحب ظاهر و کانتف العطاء است).

✓ صورتهای بیع پس از تحویل به مشتری: ۱- مقدار کم فروخته شده مشتری تحویل ندهد (تجدیدی در مملوک مشتری نیست)

۲- بیشتر از مقدار فروخته شده مشتری ندهد یا امانت باشد الباقی آن یا مشتری می‌تواند اختیار خود را در دست دارد

✓ طبق روایت منقوله کتاب از امام هادی (ع) میزان تلقی رکنان بی فرسخ است و بیشتر از آن تجارت محسوب می‌شود

✓ حرام بیع طمعه العين باطل است؟ ۱- مشغف نبودن بندگان بیع در اینجا - لدا موجب غر است.

۲- بیع به نحو اشاعه واقع می‌شود که باطل است، نه کلمه من العين.

۳- مالکیت بر طمعه در عین در هیچ طریقی سابقه ندارد.

✓ اگر با بیع ارکان در مال افزایش داده داده که به او حق ضایع ندارد و معتصم ارکانه تقدم سخن مشتری نیست و قول با بیع مقدم است.

✓ فالظاهر جواز بیع المکمل زناً علی المهور، لأن الوزن اضبط من الکلیل.

✓ مناط مکمل و موزون بودن کلاصیت؟ آنچه در زمان تاریخ و بیابانم (۱۱) مکمل و موزون بوده الا آن نیزهت و در سابقه که معلوم نیست با بیعانه خرید و فروش می‌شده یا نه، حکم همان است که در هر شیء متعارف است.

✓ قدرت علی المسلم لیسیت مقصوده بالاشراط الآلایه، مقصد اصلی تسلیم

✓ صورتهای سه گانه بیع بخش از کالاها مستاره الأخراد بیع خرد شلوع، یا

۱- کافه متردد، یک عبادت عبادت تا تو من فروغم.

بیع کل در عین، یک من از این خرمن.

✓ فرق بین اجازه و فک (آزاد سازی)، { در اجازه مرتجع، عقد صحیح است.

در فک رهن (آزاد سازی رهن) عقد صحیح نیست.

✓ موانع سه گانه فروش و وقف: ۱- حق واقف، مورد وقف را مستمر در امان قرار داده باشد.

۲- حق سلفهاری که پس از فروخته شده، دنیا به آید.

تقدیر شرعی از یاد وقف متعلق به خدا و حق خداست زیرا در وقف مقصد تقریب معتبر است.

✓ اگر موقوفه به گونه خراب یا نابود شود که امکان بجز برداشتن آن نباشد؛ قول ائمه جواز فروش موقوفه است.

✓ ضوابط سقوط حق رهن صیبت، ۱- فک رهن ← رهن بهر خود را سپارد و مهور را آزاد سازد

۴ اسقاط حق، مرتفع حق خود را ساقط کند.

۵ ابراء، مرتفع، رهن (الذمه) الذمه را می‌کند و بعهده را بر طرف می‌کشد.

۶ وقف فکری چیست؟ موتوفه در ملکیت هیچ کس نیست، بلکه آزاد ساری ملک محسوب می‌شود، مانند آزاد کردن بنده که در ملکیت مؤلف در نمی‌آید و در ملکیت دیگری نمی‌رود.

۷ اتمام وقف مؤلفه: وقف تملیکی، موتوفه، ملکیت مرتفع علیهم درآمده و بر منافع آن مالکیت دارند. اوقف فکری، موتوفه است که آزاد سازد، شمارش در وقت و در ملکیت هیچ کس نیست، آزاد کردن بنده.

۸ «لا تبع ما ليس عندك» آنچه نزد تو نیست نفروض به این یعنی قدرت بر تسلیم و تحویل کالا داشتن. که کتابه از تسلط تام فاعله است. که کتابه از مجرد مالکیت نیست.

۹ بیع: لؤلؤ من الصدق، به خاطر مجهول بودن، بیع صحیح نیست. البیض من بطن الدجاج، فروش تخم مرغ در شکم مرغ به خاطر مجهول بودن جایز نیست.

۱۰ قدرت بر تسلیم نفس دشمن در هر زمان معتبر است؟ مصفا در زمان استحقاق معتبر است. زمان که طرفین استحقاق در ایفای کالا تصور هرگاه بعضی کند چون قدرت ندارد بیع باطل است.

۱۱ بیع زین مفتوح العنود و مسجد باطل است زیرا «ملک نیست». موتومات عام، مثل، ساحب، راهب، ضایا، بنفاه، کار و اسبها برای مردم. به نظر شیخ بکنه، کبان کراهت دارد و مقارن با بیع فرسخ است.

۱۲ اگر گردد در شمره کله در زین است در شمره دیگر بدون کله در زین: الف) اگر زین، اندازه گیری مخصوص بر شمره املاک می‌داند طبق همان انجام می‌گیرد. د) صورت اندازه گیری به عقد صحیح است. بیایا اگر در شمره اندازه گیری می‌شود یا به خاطر کم ارزش بودن کالا و فراوانی آن، عقد صحیح است. که خصوص دستیار، بود بیشتر و غیر در معامله باشد - باطل است.

کلیه معاملات بیع: غیر نوعی یعنی کالا یا سوزن به گونه‌ای دیگر فروخته شود سلاً بکده که بیاید و بدهد ۵۰۰ تومان که اگر در زین شود ۱۰۰۰ است.

✓ حقوق مانع از بیع عبارتند از: وقف (بیع بر وقف واقع نمی شود) - رهن - خیابار (کالایی که خیابار بر او جعل شده)

✓ الاستثناءات خرید و فروش وقف (خواری بیع وقف)

- ✓ طلق بودن یعنی مالک سلطنت کامل، محض و خالص داشته باشد بطوری که مالک نتواند بطوری دلخواه در مالش تصرف کند: (وقف رهن طلق نیست)
- واقف شرط فروش کرده
- نیازمند به اضطرار شدید صاحبان وقف
- قلیل الفائده رداعین موقوفه
- انقباض آن مستلزم قوتی نباشد
- عدم استفاذه کافی در اثر خطری

✓ فرق عامه بالاصله و عامه العرض

- بالاصاله اول آباد بوده - بالعرض اول موات بوده بعد آباد شده
- بالاصاله مال انکاز انتقال است - بالعرض مال اصابه کتبه است (اجماع مسلمین)

✓ ادله استراط قدرت بر تسلیم

- اجماع
- روایت «لا بیع ما لیس عندک»
- دلیل عقلی
- نهی النبی عن الفحرف

عقل من گوید اگر عقد یعنی خواهد صحیح باشد باید تسلیم صورت بگیرد و تسلیم فقط در صورت قدرت صحیح است یا مال دمیله فرد می شود

✓ لکنه از شرایط ملک طلق بودن است لذا: زمین های مفتوح العنوه و بیع اموال عمومی (مسجد...) خارج می شود.

✓ بیع اراضی مفتوح عنوه جایز نیست نه مستقلاً نه به تبع آثار

✓ مالکیت بهای موقوفه فروخته شده چه عهدی است؟ به چه موقوف علیهم تعلق دارد.

موارد خارج وقف ، غیر قابل بودن استفاده از موقوفه بر اثر خرابی ، اقبال زیاد یا فرسایش موقوفه ، اختلاف من صاحبان وقف ، اقاله موقوفه مستقیم خونریزه ، واقف شرط فروش کرده باشد ، نیاز واضطرار شدید صاحبان وقف ، موقوفه

دلیل نقلی بر حوازی وقف ، لا یخیر شراؤ الوقف { مصنف هیچ کدام از دلایل را نمی پذیرد

نکته از شرایط عوضین قدرت بر تسلیم است ، مراد قدرت مطلقه است

فقره ۱ مجموع کمال (معلوم یا نامعلوم)

فقطه ۱ کمال

فروش صاع از غنمه } یا مقدار غنمه معلوم است ← ۵ صورت فاسد [ع صورت اول صحیح] یا مقدار غنمه مجهول است ← ۵ صورت فاسد [فقط صورت صحیح]

فروش صاع از غنمه (به قسم ظنی) - کسر شایع (یک ذم از کل یک فرسوار گندم) - کله نه العین - این قسم صحیح است (یک من از یک خرمن گندم) - فرد مردد

به نظر شیخ نقلی کمالی که اهت دارد

نقلی زبان غنمه به بیشتر از سواران ، به استقبال تجارت به سرد از شهر قنس و خرید کمالاها یا به زیر قیمت فروش در شهر (بعضی آنرا بیع) است

احتکار یعنی جمع آوردن و نگهداری خود که به سبب فروش آن بعد از افزایش قیمت (مصنف داکم که نمیداند آن کالا را در اختیار مردم بگذارد احتکار است) که گندم ، جو ، خرباز ، کشتی (نگد و زمین رتوب ... اختلاف است) بیع طوی ، حد احتکار در زمان فراوان ۳۰ روز و در زمان قحط ۳ روز است

مال و ملک ۲ مال ارزش اقتصادی دارد و در صنعت محاله است ، ملک تصرف در شخص خاص است [نسبتاً عموم ظنی من وجه] که گوسفند همراه ، هم مال است ، هم ملک ، آهنی در میا : مال هست ، ملک نیست ، یک دونه گندم : ملک هست ، مال نیست

وقف - تملیک ، برای همیشه وقف موقوف علیهم یا شخص خاص می شود و آنها صاحب منافع آن می شوند ، هر توادد اجاره اش به چند کسی فکری ، مورد استفاده اش مخصوص فرد خاص نیست بلکه همه مسلمانان از آن بهره می برند مانند قبور امامان ، ائمه ، کله و اسرا و ...

شروط عوضین ، مالیت (لا تأکلوا اموالکم سلیم بالباطل)

ملکیت (اموال عمومی مابعد در ائمتل ، اراضی مفتوحه العنوة و ... خارج می شود)

طلاق بودن (آزاد بودن ، مالک سلطنت کامل و تصرف کامل در آن مالش را داشته باشد)

قدرت بر تسلیم (لا یتبع مالس عندک) - مصنف این استدلال را این را می پذیرد - یعنی از بیع غریب «لا یغنی ولا یغنی فی» الا بتمام معلوم بودن شئ در مقدار و صفات

انذار یعنی کم کردن وزن طرف از وزن بیع (مصنف ، انذار فی الجملة خاص از اشکال است)

وقف منقطع ، واقف موقوفه را برای فرد یا افرادی که منقضی می شوند وقف می کند بدون آنکه موقوفه وقف بعد از انقضای موقوفه علیهم

بیع مکمل به وزن صحیح است - که در وقف منقطع که به ملک موقوف علیهم در نمی آید ، فروش وقف جائز نیست

اراضی در زمین / موات و حرده
 بالعرض (ملک انا) در حره افعال
 موات و حرده / موات و حرده
 بالعرض (ملک انا) در حره افعال
 موات و حرده / موات و حرده
 بالعرض (ملک انا) در حره افعال

خرید عین یا سلفه بلی ← اگر کالا عادتاً تقسیم کننده (صحیح است)
 ← اگر کالا عادتاً تقسیم کننده (فاسد است)

احتمال دارد تقسیم کند (با اصل عدم تقسیم صحیح است)

هلاک غرر در اعتبار کلی و وزن غرر نوعی است. (مثلاً، یک کیسه سیب را می دهد ۵۰۰۰ تومان که اگر وزن سود ۴۰۰۰ تومان است)

خرید ، عدم علم به مشخصات بیع
 اجماع ، عدم تعیین بیع از میان وصادق مقدر

شبهه تضاد ، تجویز بیع و وقف با اهل وقف ، منافات دارد.

فرق بین اقراره ، در اقراره شرکعت ، عقد صحیح است.
 اوقف (آزاد سازی) در فک رهن ، عقد صحیح نیست.
 حق واقف (وقف را دائمی قرار داده باشد)
 فروش وقف جائز نیست ، موافق فروش وقف عبارتند از
 تقبض شرعی (وقف متعلق به خداست)
 حق نقل حال آینده

بیع مردود در هفت یا تخم مرغ در شکم مرغ ، دلیل محمول بود جائز نیست.
 موقوفات عام ، مساجد ، راه ها ، صیاباها ، کاروانسراها ...

« خلاصه نکات 5 »

الاصل فی البیع اللزوم ← نظیر صنف ، اصل به معنای قلعه است (قاعده در بیع ، لزوم آن است)

خیار حیوان برای [مشهور]
 [مشرف + انا] [مشرف + انا] [مشرف + انا]
 مبداء خیار حیوان از زمان انعقاد عقد
 پایان مدت خیار حیوان غروب روز ششم است.

اسقاط : از استقامت عقد ، شرط کنیم سقوط را (سقوط استقامت عقد)
 اسقاط : خیار ثابت می شود بعد از و در غیر اسقاط می شود (اسقاط ، بعد از عقد)

بیع الخیار یعنی با بیع هنگام فروش ، شرط می کند اگر تا فلان مدت نمی راداد بیع را دوباره مالک می شود (مشرف ، خیار است)

خیار رویت بیع عن شخص است. (در بیع کلمه وجود ندارد) - خیار رویت از دیدگاه شیخ ارضاری «فوری» است.

✓ مستطقات رد در خیار عیب ، التزام به عقد و اسقاط رد و عرش
✓ مستطقات رد و ارزش در خیار عیب
⑤ علم قبل از عقد به عیب
⑥ اعلام مسئول نبودن بایع غیر (شخص)

عدوت ذکر نمود
جهول فاسد ذکر عدوت
در خیار بیع باید / ذکر عدوت، مطلق نباشد

✓ راه حله خیار عیب ارزش
از ارزش

خیار شرط به اتفاق همه علماء در مساقات حرمان دارد.

وکلل دارا خیار مجلس نیست و حق خیار مجلس ندارد.

حدیث لا فخر فیها باشد، عمومی دارد.

آیا خیار عن در غیر بیع هم جاریست؟ اگر دلیل اثبات خیار عن است - اجماع منقول باشد، فقط اقتضای بیع دارد.

مطابق حکم تکلیفی است
«أصل البيع» به دلالت
التزام من حکم و صلی است

شرایط خیار تاخیر ، مستمر بیع را قبض نکرده
عدم قبض مجموع متن
عدم اشتراط تاخیر در تسلیم هر یک از عوضین در ضمن عقد
بیع، عن یا شبه عن باشد

خیار رویت، یعنی مشاهده بیع بر خلاف آنچه مدعیین در موردش گفته بودند. (این خیار را بایع و مشتری ثابت است)

صدأ خیار شرط از هنگام عقد است [کاشفیت] - در ظاهر

فوق حق و حکم ، حق : در اختیار شخص است ، قابل اسقاط فی الجملة ، انتقال صحیح با مرگ ، به ارث میرسد
حکم ، در اختیار شارع است ، قابل انتقال نیست ، به ارث نمی رسد ، دائر مدار ضابطه تکلیف نیست (خیار حق می باشد)



در صورت شک بین حکم و حق
اصل بر عدم حقوق است
یعنی حکم است

مراد از مسأله سنن حیات «تفسیر زید و امثال اینها» است.

الا ان تكون عبارة عن تراهن ، ارفاقه طرفین با دلالت مطابقه
اللزوم عقد با دلالت التزامی

عین ، خدمت و فریب (اغت) - تملیک مال به مشتری از قید منس که خریدار جاهل به آن باشد (اصطلاح)

ارزش ، دینه (اغت) - مقدار مالی که در مقابل نقض مورد ضمانت در مال بایعین ، در شرع معلقش قبض شده
(اصطلاح ↑)

به توافق همه در وقت بیع
در وقت بیع

خیار تأخیر، مشتری چیز را فروخت اما بیع را تسلیم مشتری نکرد، پس اقباض نگردد، شرط تأخیر هم نشده بود، بیع تا ۳ روز لازم است

شرایط خیاری عین، { جهل مقنون به قیمت } تفاوت ثمن و ثمن فاحش باشد
خیار عین «فوری» است، اصل فساد فسخ است.
خیار تأخیر «تلافی» است، فوری نیست.

خیار شرط، خیاره که در اثر شرط ضمن عقد برای طرفین بوجود آمده (مثلاً شرط کنند تا ۲ روز حق خیار داشته باشند)

لکه خیار شرط فقط در اجاره ثابت است، در اقباعات، نکاح و معاطات ثابت نیست، در وقف اختلاف است.
لکه شروع زمان خیار شرط، فترت ندارد منقل (در زمین عقد باشد) یا منفصل (و از زمان توافق) گودر هدمه جاری نمی شود.

مستقطات خیار مجلس، اسقاط، سقوط، تفرق، تصرف (در عین) | خیار مجلس | افتضا بیع دارد
وکیل یا نضولی خیار مجلس ندارند، موکل با حضور وکیل خیار مجلس دارند.

خیار یعنی، مالکیت بر فسخ عقد (حق فسخ عقد) - اسم مصدر اختیار (رفع)

الناس مسلطون علی اموالهم، به دلالت التزام، دلالت بر لزوم عقد می کند. (اگر کسی نخواهد فسخ کند با سلطنت دیگر صافا استدلال - «المؤمنون عند شروطهم» مخدوش است به دلیل قاعده اصالة اللزوم.
«ان یكون المبیع عبداً او سبیه» - مربوط به خیار تأخیر است.

مشتری براهی نیم بافته را خریده و شرط می کند تا تمایز - همانا کفایت بافته شود، (۳ صورت دارد - همه اش صحیح است):

- ۱- لباس نیم دوز + مقدار نخ معین + شرط دوخت
- ۲- لباس نیم دوز + مقدار کله از نخ توصیف شده + شرط دوخت
- ۳- لباس نیم دوز + چند متر پارچه معلوم که مثل دوخته شده است

استدلال به حدیث «عین مؤمن حرام» مخدوش است، دلالت بر اثبات خیاری عین نمی کند، روایت در مورد مال است.

کالسی را ۲۰ درم خریده، گمان مکره ۴ یا ۵ درم ضرر کرده، محمدیه ۵ درم ضرر کرده «معامله صحیح، اما متزلزل است».

در موردی که عاقد مکلف باشد حق خیار مجلس ندارد به دلیل نص روایت... عاقد باید ۲ یا بیشتر باشد.

اگر در بیع مقبوض، عیب جدیدی ترد مشتری حادث گردد، مشتری فقط حق ارجح دارد.

در عیب داشتن و عدم عیب «قول منکره مقدم است»

در تفسیر اوصاف بسیج «قول مشترک مقدم است» → لایحیة البرائة

در تحقق فسخ [و زمان ضایع گذشته باشد] «مدعی فسخ باید بیستم بیاورد و اگر نه منکر فسخ سبب می خورد»

در قمت زمان عقد یا بعد از عقد [و استعلام ممکن نباشد] قول عامن که منکر سبب هنر است مقدم است.

الرافضلاف کتبه



باسمہ تعالیٰ
امتحانات عمومی پایان سال سطح ۳ و ۲
 سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰
 حوزه علمیه خراسان

تاریخ امتحان: ۹۱/۰۴/۱۲	زمان: ۹۰ دقیقه
ساعت: ۱۶ - ۱۷/۳۰	
موضوع: مکاسب ب ۴	
نتیجه	به عدد
به حروف	
رسیدگی	به عدد
محدد	به حروف

سؤالات چهار گزینه‌ای

(بارم ۵/۰ - نمره)

۱. کدام یک از گزینه های زیر مانع از بیع وقف است؟
 الف: حق واقف ب: حق بطون متأخره ج: حق الله د: همه موارد
۲. مقصود از « طلق » در باب شروط عوضین چیست؟
 الف: قابل للشراء ب: تمام السلطنة على المنفعة ج: قابل للبیع د: تمام السلطنة على الملك
۳. آیا بیع وقف عند الضرورة جایز است یا خیر؟ چرا؟
 الف: جایز مطلقاً للاجماع ب: جایز مطلقاً بحکم العقل ج: عند الضرورة الشديدة جایز بحکم الاجماع د: جایز للروایات
۴. آیا مالک می تواند ملک مرهون خود را بفروشد؟ چرا؟
 الف: می تواند به حکم عقل ب: می تواند به حکم روایات ج: نمی تواند به حکم اتفاق علماء د: می تواند به دلیل « الناس مسلطون على اموالهم »
۵. روایت « لا یصح بیعه مجازفة » دلالت بر کدام شرط عوضین دارد و معنای « مجازفه » چیست؟
 الف: مالیت و معنای آن ابهام است ب: علم به مقدار مثنی و معنای آن جهل است ج: طلقیت و معنای آن شک است د: علم به ثمن و معنای آن شوخی است
۶. آزمایش مبیع از نظر « طعم و لون و رائحه » چه حکمی دارد؟
 الف: مطلقاً لازم است ب: مطلقاً لازم نیست ج: در موردی که صفات در قیمت تأثیر دارد لازم است د: فقط در طعم لازم است
۷. اگر مبیع مجهول باشد، آیا با ضمیمه نمودن شیء معلوم بیع جایز است؟ چرا؟
 الف: جایز است چون از جهالت خارج می شود ب: جایز نیست چون از جهالت خارج نمی شود ج: فی الجملة جایز است به خاطر حکم عقل د: جایز است به خاطر روایات
۸. « نجس » چیست و دلیل حرمت آن را ذکر کنید.
 الف: تقلب در مبیع - به دلیل عقل ب: رشوه گرفتن - به حکم اجماع ج: زینت کردن کالا - به حکم نقل د: اضافه کردن قیمت کالا از طرف کسی که قصد خرید ندارد - به حکم روایت

سؤالات عبارتی

(بارم ۲ - نمره)

۱. « الاقوال فی الخروج عن عموم منع بیع الوقف احدهما عدم الخروج عنه اصلاً و هو الظاهر من کلام الحلّی » عبارت را توضیح دهید و اقوال در مسأله را بیان نمایید.
۲. « ثم انه ربما يستدل على هذا الشرط بوجوه أخر ، منها ما اشتهر عن النبي (ص) من قوله « لا تبع ما ليس عندك » عبارت کدام شرط از شروط عوضین را بیان می کند؟ توضیح دهید.
۳. « اختلفوا فی جواز بیع المکیل وزناً و بالعکس و عدمه على اقوال ، ثالثها جواز المکیل وزناً دون العکس لان الوزن اصل الکیل و اضبط و انما عدل الیه فی المکیلات تسهلاً » الف: عبارت را توضیح دهید. ب: مقصود از « عکس » و دلیل آن را بیان نمایید.
۴. « يجوز ان یندر لظرف ما یوزن مع ظرفه مقدار یحتمل الزیادة و النقص على المشهور ، بل لا خلاف فیة فی الجملة » الف: عبارت را توضیح دهید. ب: مقصود از « فی الجملة » را بیان نمایید.

سؤالات تشریحی (فقط به چهار سؤال پاسخ دهید)

(بارم ۲ - نمره)

۱. در بحث « بیع العین المشاهدة فی زمان السابق » اگر بایع ادعای « زیادة » نماید ، قول کدام یک از بایع و مشتری مقدم است؟ چرا؟
۲. « احتکار » چیست؟ و به نظر شیخ (ره) آیا حرمت آن اختصاص به طعام دارد یا خیر؟ چرا؟
۳. حکم در « تلقی رکبان » چیست و شرایط آن را ذکر نمایید.
۴. فروش بعضی از مال متساویة الاجزاء کصاع من صبرة مجتمعة الصیعان را توضیح و دو وجه از وجوه آن را ذکر کنید.
۵. وقف منقطع چیست و صور متصوره در آن را ذکر کنید.

موفق باشید

۱. محتوایی که ملاحظه می فرمائید حاصل تلاش شبانه روزی دو نفر از طلاب (در طی سالها گذشته) بوده که شاید به خرات بتوان گفت کاملترین نسخه سؤال و جوابهای درسی می باشد (در حال حاضر).

۲. قطعا توصیه نمی شود که فقط به این نسخه تکیه شود و توجه به متن کتاب درسی هم لازم است، هر چند نبره او آری که همراهِ به سؤالات و جوابهای این جزوه، تسلط داشته، در امتحانات نمره قبولی کسب نموده اند.

۳. این فایل را نگین بوده و هرگونه کپی برداری از آن مجاز و مورد رضایت است.

۴. هرگونه استفاده مالی از این محتوی شرعا حرام می باشد (به هیچ وجه مورد رضایت نیست) مگر آنکه تمام سود حاصله صرف خرید هدایای مذهبی و دینی [یا در یکدیگر انقلابی] باشد و تقسیم به مخاطبین در محافل گردد.

چند توصیه و درود طلبه ای:

✓ سعی کنیم کاری که انجام می دهیم دارای فایده باشد لذا اگر مشغول به کاری هستیم که بین شرع و عقلاء خودی ندارد مثل مرد آن را رها نمایم. **موضوع ۶**

✓ سعی کنیم (سعی) آنچه می گوئیم را خود عمل نمایم. **صفحه ۲**

✓ برای تفسیر خلاصه قرآن و سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام) در اعمال و رفتار ما **انقلاب ۱۳۶۱** بطور جدی برنامه ریزی داشته باشیم.

✓ قدردان زحمات علماء و مجاهدت های شهدای بسیاری در طول تاریخ باشیم و به جای خودخواهی، تسلی، بی نظیر...

✓ قدردان نظام و انقلاب اسلام باشیم، از فرصت پیش آمده جهت هر چه بهتر زمینه سازی ظهور بجهت بردار نمایم.

توصیه جماعته، تضعیف جنایته، تکمیل رسالته **بقره ۲۴۶-۲۴۹**

که قطعا خلاها، ضعفها و نقائص وجود دارد، اگر گرای خوش و نامحسوس اهم می باشد نبوده اند اما تضعیف نظام و انقلاب جنایته / آنچه رسالت منور شماست تکمیل این زمینه سازی است تا او بیاید...
✓ در پیش (تمیز، مرتب و معطر) باشیم و بر نماز اول وقت اصرار داشته باشیم.
✓ درباره مردم زود نصیحت نموده و در هر زمینه ای با اسباب دستورانه رفتار نمایم. **سوره ۳**